

بر ساخت قدرت نرم در درون فرهنگ اسلامی

حمید میرعباسی^۱

چکیده

امروزه یکی از مباحثی که در حوزه علوم سیاسی مطرح شده است و بسیار نیز مورد توجه است بحث قدرت نرم است. در این مقاله سعی می‌شود با توجه به سوال: چگونه می‌توان از قدرت نرم برای کاستن چالش‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی با جهان استفاده نمود؟؛ به بررسی موضوع پرداخته شود. این مطالعه به روش اسنادی صورت گرفته است و محقق سعی کرده است که با استفاده از نظریه «فرهنگ پیشرو» و آیات و روایات پایه‌های ایجاد یک مدل نظری در زمینه قدرت نرم را فراهم آورد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این نوشتار ارائه یک چارچوب نظری بومی منطبق بر هویت فرهنگی و دینی متفاوت با رویکرد مادی غرب است که می‌تواند در دو بُعد تهدیدات نرم و ایجاد بستر برای حضور در حوزه قدرت نرم مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، تهدیدات نرم، فرهنگ پیشرو، پیام، قرآن، فرهنگ اسلامی

مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران از بدو تاسیس تاکنون به واسطه‌ی دیدگاه ایدئولوژیک خود در جهان مدرن مواجه به چالش‌های گوناگونی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شده است، که دلیل این چالش‌ها در گفتمان متفاوت موجود در تفکر این نظام با نظامات حاکم بر جهان معاصر است. تفکرات مادی و امانیستی و به صورت خاص در حوزه سیاسی، بحث سکولاریزم از جمله مفاهیمی بودند که به صورت گسترده در نظامات جهانی حاکم وجود داشته و دارد و بر وضعیت تعامل میان نظام جمهوری اسلامی با جهان تأثیر گذاشته است.

^۱ کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، پژوهشگر آزاد
ham_mirabsi@alumni.ut.ac.ir

با توجه به این مطالب روشن است که نظام جمهوری اسلامی به چه طیف گسترده‌ای از موانع در سطح بین‌المللی برخورد کرده و می‌کند. در مقابل با این موانع یکی از راهکارها در سطح بین‌المللی و جهانی، تبدیل کردن چالش‌ها به فرصت است. اگر قدرت نرم را به عنوان یکی از چالش‌های بسیار اساسی در زمان فعلی بدانیم؛ می‌توان با استفاده از پتانسیل‌های آن نوعی فرصت به دست آورد. قدرت نرم نوعی همانند سازی ایدئولوژیک با استفاده از ابزارهای اجتماعی است. در این مقاله، ما در مقام پاسخ به این سوال هستیم که «چگونه می‌توان از قدرت نرم برای کاستن چالش‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی با جهان استفاده نمود؟» به بیان دیگر چگونه می‌توان از این تهدید نوعی فرصت برای نظام جمهوری اسلامی ایجاد نمود. برای پاسخ به این سوال ما در این نوشتار حداقل دو پیش فرض را ابتدأً مورد قبول قرار داده‌ایم؛ اول این که نظام جمهوری اسلامی نوعی هویت و یا «غیریت» بر اساس تفکر دینی (اسلام) برای خود تعریف کرده است؛ دوم مفاهیم کنشی و هنجاری (اعتقادی) در درون هویت ما وجود دارد که می‌توان با استفاده از آن در حوزه قدرت نرم حضور جدی داشت. برای پاسخ دادن به سوال بالا بر اساس ما به بررسی بن‌مایه‌های دینی و فکری خود در این مقاله خواهیم پرداخت.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی (رپلی، ۱۳۹۰) استفاده شده است. در بخش مطالعات نظری و ارائه یک چارچوب نظری مورد نیاز برای این نوشتار سعی شده است تا از متن و کتب مختلف استفاده گردد و مباحث مورد نیاز برای این مقاله گردآوری شود و به صورت مقوله‌های مورد نیاز برای بحث فعلی در قالب بخش نظری ارائه شود؛ هم چنین ایجاد مقولات در بخش تحلیل و تبیین‌ها نیز بر اساس رویکرد مطالعه اسناد صورت گرفته است.

قدرت نرم

قدرت از جمله مفاهیم بنیادی است که در زمینه مطالعات علوم سیاسی دارای جایگاه خاصی است. قدرت در برخی از مواقع به تولید نتایج مورد نظر تعریف شده است (راش، ۱۳۷۷: ۴۶)؛ و یا به احتمال اِعمال اراده فرد یا گروهی از افراد در طی یک عمل جمعی علی‌رغم مقاومت دیگران تعریف شده است و یا به بیان دیگر منظور از قدرت

رابطه‌ای آگاهانه و اندیشیده شده است که در آن یک طرف می‌تواند عملی را به شیوه‌ای انجام دهد که واکنش‌های طرف دیگر را کنترل کند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۷۴). اما قدرت یک ساخت همگون نیست بلکه از زیر بخش‌هایی شکل گرفته است، و معمولاً بر حسب این که چگونه مورد مطالعات قرار گیرد به زیر مقولات مختلفی تقسیم می‌شود در این جا ما قدرت را بر اساس بحث خودمان به دو گونه قدرت سخت و قدرت نرم تقسیم کرده‌ایم. در تعریف قدرت سخت می‌توان از توان اعمال زور توسط یک کشور به وسیله قدرت نظامی و اقتصاد سخن به میان آورد (Nye, 2006: 26). در مقابل این نوع قدرت می‌توان مفهوم قدرت نرم را مطرح کرد.

قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران استوار است که عمدتاً با مقوله‌های بین‌الذهانی همانند شخصیت، فرهنگ، ارزش و هم چنین نهادهای سیاسی و سیاست‌ورزی جذاب و مشروع، ارتباط دارد. از همین رو دارای دو ویژگی خاص نیز می‌باشد از یک سو فراتر نهاد فرهنگ قرار می‌گیرد و از سوی دیگر کنترل دولت نمی‌باشد (Ney, 2002: 257; Nye, 2004: 6). در این جا یک نکته می‌تواند مورد نظر قرار گیرد و آن این است که وقتی ما می‌توانیم از بحث قدرت نرم صحبت به میان بیاوریم که مبحث «تهدید نرم» مطرح شده باشد. به مثابه توضیح بیشتر تهدید نرم، به تهدیدی گفته می‌شود که باعث تغییر و دگرگونی در هویت اجتماعی و الگوهای کنشی مورد قبول یک نظام اجتماعی (دولت) قرار می‌گیرد. در این نوع تهدید شاهد نوعی جابه‌جایی اندیشه و الگوهای کنشی و رفتاری میان دو جبهه متخاصم هستیم که این فرایند در قالب استفاده از «قدرت نرم» اتفاق می‌افتد (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). و از همین نکته مشخص می‌شود در بررسی بحث قدرت نرم صرفاً با یک مقوله ذهنی مواجه نیستیم، بلکه با صورت‌های عینی که در سطح جوامع قابل رصد است مواجه هستیم. اگر ما بخواهیم در مقابل سلطه‌ی قدرت نرم دیگران و یا به بیان درست در مقابل تهدید نرم دیگران مقابله نماییم و حتا سعی نماییم که از این چالش نوعی فرصت برای خود ایجاد کنیم می‌باید منابعی که ایجاد کننده این مفهوم (قدرت نرم) هستند را شناسایی کنیم.

جدول شماره (۱) قدرت

قدرت			
سخت		نرم	
مستقل از مؤلفه‌های محیطی است		پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی	
منابع اساسی آن در کنترل دولت‌ها است		بسیاری از منابع اساسی آن خارج از کنترل دولت‌ها است	
بر سرمایه مادی بازیگر استوار است		بر سرمایه اجتماعی بازیگر استوار است	
ابعاد قدرت سخت		ابعاد قدرت نرم	
بعد نظامی		بعد فرهنگی	
تهدید و ارباب	اعمال زور	تحریم اقتصادی	رشوه دادن
تغییر ارزش‌ها		تغییر اذهان	
تغییر هنجارها		تغییر هنجارها	
برنامه‌ریزی فرهنگی		برنامه‌ریزی فرهنگی	
تحت فشار ملی گذاشتن		تحت فشار ملی گذاشتن	
اعمال بازدارنده		تحت فشار ملی گذاشتن	
جنگ و سیاست زورمدارانه		تحت فشار ملی گذاشتن	

منابع: محمدی، ۱۳۸۷؛ افتخاری، ۱۳۸۷؛ اوکس، ۱۳۷۵؛ هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۶، Nye, 2004.

قدرت نرم حداقل از چهار منبع منشعب می‌شود که عبارت‌اند از ۱- ارزش‌های فرهنگی بازیگران عرصه سیاست؛ ۲- فرهنگ؛ ۳- هدف‌گذاری نهادها و سیاست‌مداران؛ ۴- شیوه‌ها در جهت چگونگی جذب و دفع بازیگران سیاسی با استفاده از موارد قبلی (Nye, 2004: 11). از چهار منبع بالا دو مورد به صورت خاص پیرامون فرهنگ سخن به میان می‌آورند و دو مورد دیگر به صورت خاص در مورد نحوه دیالوگ و گفتگو بحث می‌کند؛ به واسطه‌ای این امر ما در ادامه ابتدا مفهوم فرهنگ را بر اساس نگرش هویتی خود تعریف نموده و سپس نحوه گفتگو و دیالوگ را بر اساس منظر هویتی (و به ویژه در این جا دینی) توضیح می‌دهیم.

فرهنگ پیشرو

آن چنان که در بخش قبل بیان شد قدرت نرم تأثیر خود را از راه فرهنگ و گفتگو اعمال می‌نماید. فرهنگ در قدرت نرم، به معنای عام آن به کار گرفته شده است که شامل تمام رفتارها و کنش‌های انسانی می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸)؛ از این رو ما نیز در این جا از نظریه‌ای استفاده کرده‌ایم که اولاً بر مبنای تفکر هویتی فرامادی و الهی باشد و ثانیاً به فرهنگ به صورت عام نگاه کرده باشد.

یکی از اندیشمندان معاصر که به فرهنگ به صورت عام نظر کرده است علامه محمد تقی جعفری است. ایشان بر اساس نظریه حیات معقول (جعفری، ۱۳۸۸ الف) خود فرهنگ را بر دو نوع کل می‌دانند: الف) فرهنگ پیرو و ب) فرهنگ پیشرو. بحث فرهنگ پیرو در این جا محل بحث ما نیست و به صورت خاص به فرهنگ پیشرو می‌پردازیم.

فرهنگ پیشرو عبارت است از کیفیت یا شیوه‌ی بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده‌ی آنان در حیات معقول تکاملی باشد (جعفری، ۱۳۸۸ ب: ۱۴۶ و ۱۰).

یکی از مفاهیمی که در تعریف فرهنگ وجود دارد، مفهوم «کیفیت» است؛ کیفیت به ماهیتی گفته می‌شود که لذاته قابل مساوات و لامساوات و قابل تقسیم نباشد، و تعقل آن هم منوط به تعقل امر دیگر نباشد (م.ش. خوانساری، ۱۳۷۶: ۲۱۷). از این رو شناخت فرهنگ در حوزه علوم انسانی و بیشتر زمینه تعقل را در بر می‌گیرد. تعقل و در نظرگاه علامه جعفری «تعقل سلیم» عبارتست از اندیشه در پرتو اصول و قوانین تثبیت شده برای وصول به مقاصد منظور. شخصیت آدمی در فعالیت تعقلی، از کلیات تجرید شده برای تطبیق بر موارد قضایا استفاده می‌کند و چون درک قضایای کلی مستلزم دریافت حقایق تجریدی است؛ لذا شخصیت در این جریان نیز فعالیت فوق طبیعی انجام می‌دهد (جعفری، ۱۳۸۴، ج ۲۴: ۹۰). تعقل سلیم نزد علامه جعفری از ترکیب دو نوع عقل حاصل می‌شود؛ عقل نظری، عقل عملی. مفهوم دیگری که در بحث علامه جعفری در تعریف فرهنگ پیشرو قابل بحث و بررسی است مفهوم احساس است. احساسات در نظام فکری علامه جعفری دو حالت اساسی دارد:

حالت یکم که ابتدائی و خام است (جعفری، ۱۳۶۱، ج ۹: ۱۸۰-۱۷۹) که در زمینه فرهنگ پیرو تعریف می‌شود؛ حالت دوم احساسات تصعید شده که در زمینه فرهنگ پیشرو تعریف می‌گردد و مقصود از احساسات تصعید شده این است که تأثر روان از انگیزه احساسات مانند یک معلول مکانیکی از یک علت مکانیکی نبوده، بلکه پیش از آنکه انگیزه احساسات در روان آدمی تأثیر ایجاد کند، از مجموع نیروها و عناصر شخصیت شناخته شده، ارزیابی شده باشد. هر اندازه که معرفت آدمی درباره آن انگیزه‌ها و شئون مربوط به آنها بیشتر بوده باشد تأثر از آنها معقول‌تر خواهد بود. احساسات تصعید شده آن پدیده‌های روانی است که شخصیت‌های رشد یافته با همکاری معلومات و دریافت شده‌های منطقی و

تجربی در برابر انگیزه‌ها از خود بروز می‌دهند. بنابراین، معنای احساسات تصعید شده نفی خاصیت تأثیرپذیری انسان از انگیزه‌های محرک احساسات نیست، بلکه نشان دهنده رشد شخصیت در ابعاد گوناگون است (جعفری، ۱۳۵۹، ج ۶: ۱۲۴-۱۲۰). احساسات تصعید شده در نظرگاه علامه جعفری از روی فهم درست و آگاهانه یک مسئله در عالم ایجاد می‌شود و وقتی ایجاد شود خود نمودار پیشرفت فرد خواهد بود.

مفهوم تکاملی بودن از مفهوم هدف در درون در اندیشه علامه جعفری گرفته شده است؛ هدف در دیدگاه علامه جعفری نوعی دست یافت به حقیقت از سر آگاهی و اشتیاق، با انجام دادن رفتارهای معین، تعریف می‌شود (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۴). و این دست یابی نوعی حرکت تکاملی و پیش برنده است.

تا این جا مشخص گردید که فرهنگ در نزد علامه جعفری دارای چه معنا و مفهوم بوده است اما ایشان معتقد هستند که هر فرهنگ (چه پیرو و چه پیشرو) دارای دو بُعد است. بُعد اول با عنوان بُعد محسوس و ملموس فرهنگ از آن یاد می‌شود که عبارت است از «اندیشه‌ها و آرمان‌ها و سایر توجهی‌ها تجسم یافته‌ی زندگی که در اثر کار فکری و عضلانی در جهان عینی مشهود و ملموس است، مانند آثار هنری تجسم یافته‌ای که به وسیله چشم یا گوش قابل احساس می‌باشند». و بُعد دوم، بُعد شفاف است که عبارت است از «آرمان‌ها، عواطف، و اخلاق و هدف‌هایی که برای حیات انتخاب می‌شوند و آگاهانه یا ناآگاهانه، زندگی آدمی را چه در حالت فردی و چه در قلمرو اجتماعی توجیه می‌نمایند» (جعفری، ۱۳۸۸، ب، ۱۵۹). برای بُعد ملموس می‌توان ساختمان‌ها و محصولات فرهنگی را به عنوان نمونه یاد کرد و برای بُعد شفاف می‌توان از دین و اخلاق به عنوان نمونه‌های این بُعد یاد کرد.

دیالوگ و گفتگو

آن چه که در زمینه فرهنگ قابل طرح است بحث انتقال فرهنگ است. فرهنگ در فرایند ارتباطی انتقال می‌یابد. عنصر مرکزی فرایند ارتباطی پیام است. پیام به مفهوم اطلاق می‌شود که دارای ما به ازای خارجی است و در جریان ارتباط عرضه شده و فرد گیرنده پیام معنایی از آن پیام یا در ذهن دارد و یا می‌سازد (ویندال و دیگران، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۶). ایجاد پیام معمولاً بر اساس حداقل چهار دسته معارف انسانی شکل می‌گیرد؛ ۱) ارزش‌ها که

برداشت و تلقی ما در مورد بهای نسبی‌ای که برای چیزها، رخدادها و مردم قائل هستیم که در نظام‌های اخلاقی و مذهبی تمام فرهنگ‌ها و جوامع وجود دارد (گیل و آدمز، ۱۳۸۴: ۴۴). عقیده، که پاسخ کلامی به سؤال درباره‌ی وضعیت‌ی تردیدآمیز است که به واکنش شناختی نسبت به محرک استناد می‌کند (بینگر، ۱۳۷۶: ۶۱). ۳) باور که مبین روشی است که از طریق آن افراد پیرامون خود را می‌نگرند؛ و ۴) نگرش که عقیده، باور و یا گرایشی است که بر تجربه‌ی قبلی فرد مبتنی است (مایرز و مایرز، ۱۳۸۳: ۱۶۴-۱۶۵)؛ نگرش یا از طریق تجربه مستقیم به وجود می‌آید و یا از دیگران و از رهگذر جامعه‌پذیری آموخته می‌شوند (اسولیوان و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۹). معمولاً در فرایند ارتباط به صورت خاص، رسانه‌ها سعی می‌کنند با شناخت این معارف در حوزه اجتماع مورد هدف، پیام را برای رسانه تولید نمایند (کازینو، ۱۳۶۴).

رسانه‌ها بر اساس توان خود پیام‌های تولید شده را به صورت الفبایی و یا موزائیکی (مک‌لوهان، ۱۳۷۷: ۳۹۳-۳۹۵) عرضه می‌کند و به نوعی تأثیرگذاری و جریان افناع‌بخشی خود را با توجه به این گونه سطح ارائه پیام دنبال می‌کنند. آن چه که پس از این ارائه خواهد شد در زمینه ویژگی‌های پیام و مخاطب از دیدگاه قرآن و حدیث است؛ چرا که در بحث مورد نظر این مقاله شناخت این ویژگی‌ها در زمینه عملیاتی کردن مدل نظری می‌تواند کمک کننده باشد.

جدول صفحه بعد انعکاس کنند دیدگاه قرآن پیرامون مخاطبان پیام است. بر این اساس مسئله اول در زمینه پیام در دیدگاه قرآن این است که مخاطب، یک جمعیت واحد و یکسان به لحاظ جهان‌بینی، نیست؛ بلکه جمعیتی متکثر است که بر اساس جهان‌بینی و وضعیت اجتماعی می‌توان آنان را حداقل به پنج دسته تقسیم نمود (که در جدول ۲ آمده است)، در مقابل این تکثر مخاطب، نوعی تکثر پیام را هم مشاهده می‌کنیم؛ به بیان دیگر نباید برای تمام این گروه‌های با یک صورت پیام ارسال گردد، (هر چند سخن خوش گفتن رویکرد کلی اسلام در ایجاد پیام است، اما مسئله مهم این است که اگر قرار باشد در یک جریان ارتباطی ما بتوانیم مخاطب و یا مخاطبان را به اقناع برسانیم نیاز است که بر اساس وضعیت معرفتی و اجتماعی او پیام را آماده سازیم)؛ از همین رو، اول نیاز مخاطب به لحاظ معرفتی و اجتماعی شناسایی شود و مشخص گردد که مخاطب در کدام گروه قرار می‌گیرد؛ در بخش بعد باید پیام را با توجه به نتیجه‌ای که می‌خواهیم بگیریم برای هر گروه ارسال

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

کنیم. اگر می‌خواهیم مثلاً با کافرین صحبت کنیم، قرآن می‌گوید: و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی از ایشان روی می‌گردانی پس با آنان سخنی نرم بگوی (اسرا/۲۸)؛ موضوع مشخص است اگر می‌خواهیم کافران به تو ایمان بیاورند به صورت نرم با آنان صحبت کن؛ پس قرار است از پس این نوع پیام فرد کافر ایمان بیاورد.

جدول (۲) مخاطب‌شناسی قرآن^۲

نوع مخاطب	نوع پیام
منافقان	سخن شایسته
منافقان	سخنی رسا
کافرین	سخن نرم
کم توانان مالی	سخن پسندیده
توده مردم	سخن خوش
مؤمنین	سخن استوار

مطلب دیگر که در قرآن به صورت خاص به آن اشاره شده است بحث شناخت سخن یا همان پیام است، از دیدگاه قرآن پیام در مواجهه با مخاطب که به جهت اقناع ارسال می‌گردد، به مراتب از شناخت پیام، سخت‌تر است. اگر بخواهیم از رویکرد قدرت نرم به این دو جدول نگاه کنیم می‌توان چنین دریافت که برای اعمال قدرت نرم نیاز است که مخاطبان به لحاظ جهان‌بینی و مسائل موثر اجتماعی شناخته شوند که در جدول قبل از دیدگاه قرآن آورده شد.

۲. منابع: آیات ۲۷ سوره ابراهیم؛ ۸۳ بقره؛ ۵ نساء؛ ۲۸ اسراء؛ ۶۳ نساء؛ ۲۱ محمد.

جدول (۲) سخن‌شناسی قرآن^۳

ارسال کننده پیام	نوع پیام
کافرین	سخن بی‌هوده
کافرین	سخن سطحی
کم خرد	سخن یاوه
خردمندان	بهترین سخن

از طرف دیگر اگر بخواهیم به تهدیدات نرم پاسخ دهیم؛ نیاز است که سخنی که در قالب پیام در جهان امروزی ارسال می‌گردد شناخته شود و با شناخت آن است که می‌توان در مقابل آن واکنش سنجیده نشان داد.

اما تفسیر این که سخن یاوه و یا سخن سطحی چیست؟ در قرآن به آن پرداخته نشده است، ولی در روایات می‌توان به خصوصیات این موارد رسید. بر اساس جدول شماره (۳) می‌توان چنین استنباط کرد که افرادی کافرین و منافقین چگونه صحبت می‌کنند و پیام‌های خود را به چه صورتی بیان می‌دارند. یکی از نکاتی که می‌توان در برای مقولاتی که در جدول شماره (۳) آمده گفت این است که این مقولات در دو سطح کاربرد دارد، سطح کنشی و یا فردی و سطح ساختاری. به صورتی که اگر شما از منظر این که یک فرد به این صورت سخن بگوید چه تأثیری خواهد داشت، می‌توانید از این مقولات استفاده کنید. اما اگر فرض بگیرید که واحد تحلیل شما یک فرد نیست بلکه یک رسانه و یا یک کشور است.

^۳. منابع: آیات ۴ سوره جن؛ ۳۳ رعد؛ ۶ سوره لقمان؛ ۱۸ زمر.

جدول شماره (۳) ویژگی‌های سخن زشت از دیدگاه روایات

سخن زشت	
دوری کردن اصحاب فضل از فرد	از بین بردن جوانمردی
موجب ناراحتی برای خود می‌شود	عدم سکوت در واقعی که باید سکوت کرد
ایجاد کنیه کردن	صفت فرومایگان است
ایجاد سرزنش زیاد کردن	از بین بردن منزلت

منبع: محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۷.

در این حالت نیز می‌توان هم چنان از همین مقولات برای شناخت استفاده کرد. مطلبی را که نباید در این جا فراموش کرد این است که بسیاری از مؤلفه‌های موجود در این جدول به صورت خاصی با عناصر «فرهنگ پیرو» تناسب و شباهت دارد. اما در مقابل این وقتی که در قرآن به مؤمنین گفته می‌شود که سخنانتان یا همان پیام را استوار بیان کنید، ما با مفهومی برخورد می‌کنیم (سخن استوار) که در احادیث به صورت خاص مورد تاکید قرار گرفته است. در جدول شماره (۴) نحوه‌ی استواری سخن و یا همان پیام ارائه شده است؛ و با استفاده از روایات پیرامون این موضوع (سخن استوار) حداقل دوازده ۱۲ ویژگی به عنوان ویژگی‌های حداقلی پیام برای ارتباط شناسایی شده است. این ۱۲ ویژگی هم می‌تواند در سطح ساختاری و هم در سطح کنشی کاربرد داشته باشد. مطلب دیگر این است که تعدادی از این عناصر به صورت خاص یادآور مفاهیمی که ما در نظریه «فرهنگ پیشرو» ارائه داده‌ایم، می‌باشد از این رو این مسئله نشان دهنده‌ی نوعی هم پوشانی و تشابه است، که باعث انسجام بیشتر بحث می‌گردد. یک نکته که در این جا، جای دارد اشاره شود این مسئله است که ممکن است خوانندگان گرامی سوال کند که مفاهیمی که در قالب جداول ارائه شده است دارای چه معنا و کاربردی است؟ البته این سوال صحیح است ولی پاسخ آن در این مقاله آورده نخواهد شد، زیرا قرار است ما اراکان را بازشناسی کنیم تفسیر و فهم این مقولات می‌توان حاصل یک کار مستقل پژوهشی دیگر باشد و البته از حوصله‌ی این نوشتار بیرون است. در بخش بعد به نوعی میان فرهنگ و دیالوگ به عنوان دو منبع مهم قدرت نرم تلفیق صورت خواهیم داد. و از این رو نوعی الگو برای حوزه قدرت نرم پیشنهاد می‌شود.

جدول شماره (۴) ویژگی‌های سخن و پیام از دیدگاه روایات

ویژگی سخن از دیدگاه روایات		
۱	نقض نکردن بخشی از سخن به وسیله بخش دیگر	۷
۲	توجه به معنای الفاظ	۸
۳	تناسب سخن و مخاطب	۹
۴	ارائه سخن در جایی که تأثیرگذار است	۱۰
۵	استفاده از زبان حال به جای زبان گفتار	۱۱
۶	نگاهی انتقادی به سخن‌های خود	۱۲
	معنا سخن به وسیله اهل فهم به دست می‌آید	
	موجب رنج در شنیدن نشود	
	موجب رنجش در فهم نشود	
	اندک نباشد	
	ملال آور نباشد	
	دارای زیبایی شناسی باشد	

منبع: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷.

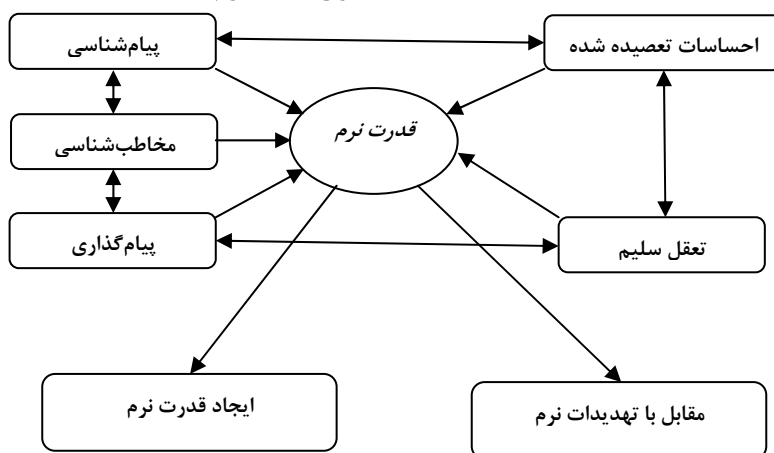
الگو قدرت نرم در تفکر اسلامی

سوال اصلی این نوشتار این بود که «چگونه می‌توان از قدرت نرم برای کاستن چالش‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی با جهان استفاده نمود؟» البته پاسخ ما به این سوال ارائه یک الگوی هویتی و بومی است که از یک طرف بتواند در مقابل تهدیدات نرم از حوزه فرهنگی و گفتمانی ما دفاع کند و از طرف دیگر هم بتواند به نوعی ما را به عنوان یک جامعه اثرگذار و نه منفعل، در زمینه قدرت نرم به جهان معرفی نماید. برای این که بتوانیم به یک مدل جامع در این زمینه دست یابیم باید نسبت میان پیام در حوزه ارتباط را با فرهنگ مشخص نماییم. اگر ما فرهنگ خود را به عنوان یک هویت خاص، در قالب فرهنگ پیشرو تعریف کنیم باید در نظر گرفت که پیام و ارتباط باید حداقل دارای دو بُعد اساسی باشد، الف) عقل سلیم و ب) احساسات تصعید بیان گردد. پس نظام فرهنگی ما برای پیام و گفتمانی که می‌خواهد در قابل قدرت نرم ارائه دهد، دو ویژگی بیان می‌دارد؛ حال در سوی دیگر پیام و ارتباط نیز در نگاه هویتی ما باید حداقل از دو زاویه مورد توجه باشد اول این که مخاطب پیام، متکثر است و این مخاطب متکثر البته فعال، هم هر کدام نوعی پیام خاص را ارائه می‌دهند. و اگر ما می‌خواهیم با این مخاطبان متکثر ارتباط برقرار کنیم نمی‌توانیم به یک صورت واحد پیام ارائه بدهیم، دلیل آن نیز در این نکته خلاصه می‌شود که ما می‌خواهیم در قالب پیام نوعی اقتناع ایجاد کنیم. اقتناع فرایندی است که فرد ابتدا باید مبانی فرهنگی و جهان‌بینی شما را قبول کند و سپس رفتارها و ارزش‌ها و هنجارهای شما را خواهد پذیرفت. در سوی دیگر نیز مسئله خود پیام است. از دیدگاه هویتی ما سخن می‌توان

هم ناشایسته باشد و هم شایسته؛ برای هر کدام از این دو موضوع نیز قواعد و دستورهایی ارائه شده است که به صورت مختصر بیان شد. با توجه به این مطالب حالا می‌توان مدل خود را ارائه دهیم. در توضیح این مدل حداقل باید به چهار نکته اشاره نمود:

الف) وقتی از پیام و برقراری ارتباط در قالب این مدل بحث می‌شود، نکته اصلی این است که در ارتباط آن چنان که در آیات قرآن مذکور است باید سخن مؤمن استوار باشد، این استواری بر اساس مبانی فرهنگی که ما در این مدل ارائه دادیم بر اساس دو مفهوم عقل سلیم و احساسات تصعید شده باید باشد؛ ولی نکته مهم‌تر نیز وجود در این جا وجود دارد که همان «ارائه» یا ارسال پیام است که باید بر اساس مبانی فرهنگی که ذکر کردیم انجام پذیرد؛ به بیان بهتر پیام در دیدگاه اسلامی در صورتی باید ارائه شود که امکان تأثیرگذاری آن مفروض باشد. اگر پیام بر روی مخاطب تأثیرگذار نباشد نیاز به ارائه نیست و در این جا سکوت بهتر است.

مدل شماره (۱) الگوی قدرت نرم



ب) کلیه عناصر قدرت نرم در مدل زیر به یکدیگر وابسته هستند؛ یعنی این اجزا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و در این رابطه متقابل است که برون داد مدل را تولید می‌کند. از این رو نمی‌توان پیامی تولید نمود که یکی از عناصر مدل در آن نادیده گرفته شود.

ج) تولید پیام در این مدل، در دو سو خواهد بود؛ یکی برای پاسخگویی به تهدیدات نرم و دیگری برای ایجاد بستر حضور قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی. پس بر اساس این کاربرد دوگانه باید ابتدا مشخص کرد که پیام برای کدام یک از مقصودها در حال تولید است.

د) مطلب دیگر در مورد تأثیر ابعاد فرهنگ، در تهدید نرم و قدرت نرم است؛ بر اساس آن چه که در بخش فرهنگ به آن اشاره شد، فرهنگ به دو بخش شفاف و محسوس تقسیم می‌شود در حوزه قدرت نرم بر اساس پیام‌هایی که به نوعی تهدید به کشور ما وارد می‌شود می‌توان گفت پیام و ارتباط بر اساس بُعد محسوس فرهنگ ارائه می‌شود و تا جایی که امکان دارد از بحث در حوزه شفاف اجتناب می‌گردد. ارائه صدها ساعت سریال‌ها و فیلم‌ها سینمایی نوعی استفاده از بُعد محسوس فرهنگ است، اما در کنار این مسئله سعی شده در درون این جریان سرگرمی سازی نوعی پیام با جهان‌بینی فرهنگ مادی گنجانده شود. در توضیح بیشتر این مطلب می‌توان چنین بیان داشت که در حوزه تولیدات فرهنگی و ایدئولوژیکی غرب ظاهراً محصول فرهنگی ارائه شده برای سرگرمی است اما معانی در قالب این پیام‌های سرگرمی کننده ارائه می‌شود که سطحی است و البته چندان ذهن مخاطب را به خود مشغول نمی‌دارد؛ ولی مسئله در جایی در این فرایند ایجاد می‌شود که این معنای سطحی به صورت تکرار شونده‌ای ادامه می‌یابد و در این صورت با نوعی ضریب افناع مواجه می‌شویم که باعث کاشت پیام در ذهن مخاطب به صورت غیر مستقیم خواهد شد و مخاطب بدون این که خود بداند حامل معنا و پیام آن محصول فرهنگی شده است. و این مسئله است که باعث می‌شود نحوه‌ی برخورد با این رویکرد سخت شود. از این رو در مقابل با این تهدیدات می‌تواند با طرح سوالات بنیادین که توجه افراد را به خود جلب می‌کند ابتدا پیام را مورد تردید قرار داد و سپس، پس از تثبیت این تردید در ذهن مخاطب، انگاره مورد نظر، مورد چالش واقع شود. منابعی که در مرحله به چالش کشیدن می‌توان از آن استفاده کرد همان مفاهیمی هستند که در حوزه فرهنگ پیشرو ارائه شد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد که به این سوال پاسخ داده شود که «چگونه می‌توان از قدرت نرم برای کاستن چالش‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی با جهان استفاده نمود؟» برای

پاسخ به این سوال در نوشتار پیش رو ابتدا سه مفهوم به صورت متوالی مورد بررسی قرار گرفت؛ الف) قدرت نرم، ب) فرهنگ، ج) پیام؛ ارتباط این سه را به این صورت مورد تحلیل قرار دادیم که در ابتدا مشخص شد یکی از بن‌مایه‌های اصلی قدرت نرم بر اساس تعریف و مؤلفه‌های آن، فرهنگ است؛ فرهنگ از سوی اندیشمندان بر اساس بستر فکری و معرفتی گوناگون به گونه‌های مختلفی تعریف شده است و از نقطه نظری اسلامی آن را بر اساس نظرگاه فرهنگ پیشرو تعریف کردیم که از لحاظ بسترهای هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی با دیدگاه اسلام نزدیک است. پس از آن بیان شد اگر می‌خواهیم چالش‌ها نظام سیاسی را بکاهیم نیاز است بر اساس دیدگاه قدرت نرم به ارائه پیام بر بستر فرهنگ پیشرو بپردازیم. برای پاسخ به این سوال که، محتوای این فرهنگ باید چگونه باشد تا بتواند از یک سو تأثیرگذار و از سوی دیگر رافع تهدیدات باشد؟؛ با استفاده از آیات و روایات نحوی تولید پیام را در قالب مولفه‌هایی که اسلام در این زمینه بیان کرده بود، آوردیم. حاصل این نوشتار ارائه مدلی نظری بود که در آن به دو نکته اساسی توجه شده است، اول این که چگونه می‌توانیم به تهدیدات نرم پاسخ داد و دوم این که چگونه می‌توانیم به عنوان یک کشور تأثیرگذار در حوزه قدرت نرم خود را معرفی کرد. مهم‌ترین یافته حاصل در این نوشتار را می‌توان شناخت عناصر تولید کننده قدرت نرم بر بستر تفکر اسلامی دانست. پاسخ اساسی این نوشتار به پرسش پیش طرح شد این بود که با توجه به سه حوزه پیام‌شناسی، مخاطب‌شناسی، پیام‌گذاری در بافت هویتی متفاوتی که فرهنگ اسلامی می‌تواند آن را تولید و عرضه نماید، می‌توان نوعی گفتمان متفاوت در مقابل فرهنگ غرب ارائه می‌دهد، که نه تنها در حوزه سیاسی و فرهنگی چالش‌ها را بر طرف نمود، بلکه طرف مقابل را با چالش‌هایی بنیادی مواجه کرد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، «دو چهره قدرت نرم، قدرت نرم معنا و مفهوم»، در: قدرت نرم و سرمایه اجتماعی. به کوشش اصغر افتخاری، جلد اول. تهران: دانشگاه امام صادق و پژوهشکده مطالعات بسیج.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی). تهران: نشر نی. چاپ پنجم.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداد ۱۳۹۳

- بینگر، اتولر (۱۳۷۶). ارتباطات اقناعی. ترجمه علی رستمی، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۵۸). شرح و تفسیر نهج البلاغه. ج ۴. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۵۹). شرح و تفسیر نهج البلاغه. ج ۶. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۱). شرح و تفسیر نهج البلاغه. ج ۹. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۹). فلسفه و هدف زندگی. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۴)، شرح و تفسیر نهج البلاغه. ج ۲۴. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ دوم.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۸ الف). حیات معقول. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. چاپ دوم.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۸ ب). فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. چاپ چهارم.
- خوانساری، محمد (۱۳۷۶). فرهنگ اصطلاحات منطقی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ دوم.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی). ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
- رپلی، تیم (۱۳۹۰). راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند. ترجمه عبدالله بیچرانلو. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کازینو، ژان (۱۳۶۴). قدرت تلویزیون. ترجمه علی اسدی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ پنجم.
- گیل، دیوید و بریجت آدمز (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات. مترجمین رامین کریمان. مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- لوکس، استوان (۱۳۷۵). قدرت نگرش رادیکال. ترجمه عماد افروغ. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- مایرز، گیل ای و میشله تی. مایرز (۱۳۸۳). پویایی ارتباطات انسانی. ترجمه حوا صابر آملی. تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵). میزان الحکمه. ترجمه حمید رضا شیخی. قم: دار الحدیث، چاپ ششم.

سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

- محمدی، محمد (۱۳۸۷). «منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه ۱۵ خرداد. سال پنجم. شماره ۱۶. صص ۱۹-۴۳.
- مک‌لوهان، هربرت مارشال (۱۳۷۷). برای درک رسانه‌ها. ترجمه سعید آذری. تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- نائینی، علی محمد (۱۳۸۸). «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه راهبرد دفاعی. ش ۲۵. صص ۱۲۱-۱۵۲.
- ویندال، سون و بنوسیگنایزر و جین اولسون (۱۳۷۶). کاربرد نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹). «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه تحقیقات فرهنگی. ۳(۹). صص ۱۵۱-۱۸۰.
- Nye, Joseph. S. (2002), "Limits of American Power", *Political Science Quarterly*, Vol.117, No. 4.
- Nye, Joseph. S. (2004), *Soft power: The means to success in world politics*, New York: Public Affairs.
- Nye, Joseph. S. (2006), *Soft Power and European-American Affairs*, In: *Hard Power, Soft Power and the Future of Transatlantic Relations*, Edited by Thomas L. Ilgen, Ashgate Publishing.